تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۱۵
تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۰۸

بررسی درجهٔ درخطر بودن زبان‌های ایران برمبنای معیارهای یونسکو

(مطالعهٔ موردی: زبان تالشی)

حمیده پشتوان* - مهناز طالبی دستنایی**

چکیده

پیدایش و رشد فرهنگ‌ها و انتقالشان از نسلی به نسل دیگر تنها از طریق زبان امکان‌پذیر است؛ به همین سبب با مرگ یک زبان، فرهنگ، تاریخ، ادبیات و در یک کلام، میراث آن جامعه نیز نابود می‌شود. طبق ارزیابیِ اتنولوگ، امروز ۶۵۲ زبان در جنوب آسیا شناسایی شده‌اند که از این تعداد، ۲۵ خوشهٔ زبانیِ بومی در ایران وجود دارد. هفت زبان از مجموعِ این ۲۵ خوشهٔ زبانی به‌همراهِ گونه‌های مختلف آنها در معرض نابودی و یک‌سوم آنها در معرض آسیب هستند. زبان تالشی یکی از این زبان‌هاست؛ جامعهٔ تالشی‌زبان،حدود یک درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد که در شمال‌غرب و غرب گیلان زندگی می‌کنند. این زبان به دلیل همسایگی با گیلکی و ترکی و نیز تأثیر زبان فارسی دستخوش تغییرات فراوان شده و جزو زبان‌های درمعرض خطر طبقه‌بندی شده است. در این مقاله، ضمن معرفیِ معیارهای شش‌گانهٔ یونسکو در درجه‌بندی میزان درخطر بودن زبان‌ها، به بررسی وضعیت کنونیِ زبان تالشی و عوامل مؤثر در تضعیف این زبان در ایران پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: معیارهای یونسکو، زبان‌های درخطر، زبان تالشی، ایران.

---

* دانشجوی دکتری رشتهٔ زبان‌شناسی همگانی دانشگاه الزهرا h.poshtvan@alzahra.ac.ir

** دانش‌آموختهٔ دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه الزهرا، مدرس دانشگاه کاشان m.talebi.dl@gmail.com

۱- مقدمه

گوناگونی زبان و گویش، پدیده‌ای ناگزیر است؛ زیرا ارتباط، جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی بشر محسوب می‌شود. این گوناگونی، ریشه در عوامل درونی و بیرونیِ جوامع زبانی دارد. هیکی (نک: Hickey, 2012: 7) عامل بیرونیِ گوناگونی زبان را به تماس زبانی/ گویشی مربوط می‌داند و آنگونه که بریتن (نک: Britain, 2010: 208) توضیح می‌دهد، تماس زبانی، ابعاد متفاوتی دارد: از سطح معمول و متداول آن گرفته تا سطحی به کوچکیِ محاوره و ارتباطات روزمره. به بیان روشن‌تر، افرادی که ممکن است عضو جامعهٔ زبانی متفاوتی باشند می‌توانند سبب ایجاد تغییراتی در گویش و زبان یکدیگر شوند و این تغییرات اگر در زبانِ جامعهٔ دریافت‌کننده، پذیرفته و نهادینه شود، درنهایت، به همگرایی خواهد انجامید. به‌این‌ترتیب، بر اثر تماس مداوم، از میزان تفاوت‌های آن دو نظام زبانی کاسته و به‌تدریج، بر شباهت‌های آنها افزوده می‌شود (نک: Berruto, 2005: 81). در این مقاله، ابتدا به عوامل مؤثر بر نابودی زبان پرداخته می‌شود. سپس، معیار یونسکو در شناسایی درجهٔ ماندگاری و درخطر بودن زبان‌ها توصیف خواهد شد. به دنبال آن، میزان درخطر بودنِ زبان تالشی، به‌عنوان نمونه‌ای از زبان‌های بومیِ ایران، با استفاده از معیارهای یونسکو بررسی می‌شود.

۲- تماس زبانی و خطر نابودیِ زبان

از منظر زبان‌شناسی، تغییر با گسترش نوآوری‌های زبانی در سراسر قلمروِ آن زبان آغاز می‌شود و درنهایت، اگر جامعهٔ مقصد، آن نوآوری‌ها را بپذیرد، تغییرات قابل توجهی در زبان پدید می‌آید. آن‌گونه که در رسالهٔ زبان‌های درخطرِ کمبریج[1] آمده است (Sallabank, 2011: Austin/5)، عواملی نابودی زبان‌ها به ۴ دسته تقسیم می‌شوند:

الف) بلایای طبیعی؛ مانند: سیل، زلزله، قحطی، خشکسالی و بیماری؛

ب) جنگ؛ مانند جنگ داخلی السالوادور[2]؛ کشتار جمعی؛ مانند بسیاری از جوامع بومیِ قارهٔ آمریکا؛

ج) سرکوب افراطی و کوچ اجباری؛ مانند قبایل بومی آمریکا. در برخی کشورها این امر نام «یکدست‌سازی یا برابریِ ملی»[3] به خود گرفته است؛

---

1 The Cambridge Handbook of Endangered Languages

2 El Salvador

3 national equity or assimilation

د)برتریِ فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی یک زبان؛ مانند زبان رسمی در اغلب کشورها.

۲-۱ تماس در شبکه‌های اجتماعی

افراد در شبکه‌های اجتماعی، اطلاعات گوناگون از قبیلِ تجربه، کار، معیشت، دیدگاه، احساسات و نیازهای خود را به اشتراک می‌گذارند. شبکه‌های اجتماعی پدیده‌های پیچیده‌ای هستند؛ زیرا افراد گوناگون با پیشینهٔ خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و زبانی مختلفی در آنها حضور دارند. به همین سبب، اعضای این شبکه‌ها همواره با اطلاعات گوناگون و به‌ویژه نوآوری‌های زبانی روبرو هستند و خودآگاه یا ناخودآگاه خود را با این نوآوری‌ها تطبیق می‌دهند و بخشی از آنها را می‌پذیرند (Hinskens et al., 2005: 2). با گذشت زمان، این شبکه‌ها به نوعی همگرایی درونی می‌رسند؛ هر یک از اعضا، از زبان مبدأ خود فاصله می‌گیرند و ویژگی‌های زبانی جدیدی را که از دیگر شبکه‌ها به دست آورده‌اند در شبکهٔ خصوصی خود عرضه می‌کنند. تطبیق با تغییرات جدید به موقعیت فرد در گروه، نوع تماس، میزان ارتباط اعضای شبکه، و سن و جنس بستگی دارد (Thomas, 2010: 38).

۲-۲- رسانه‌های جمعی

رشد سریع رسانه‌های جمعی و ارتباطی و سهولت دسترسی به آنها، موجب افزایش تماس جامعه‌های زبانی بومی با زبان‌های معیار شده است. سال ۱۹۶۹ نقطهٔ عطفی در تاریخ بشر محسوب می‌شود؛ چه در این سال ماهوارهٔ اینتل‌سَت در مدار قرار گرفت تا ارتباط ملت‌ها را تسهیل و تسریع کند (Mackey, 2001: 69). از آن تاریخ تاکنون، گسترهٔ نفوذ و سیطرهٔ زبان‌های معیار بر زبان‌های بومی روز به روز افزایش یافته که همین مسئله سبب تغییر زبان‌های بومی و تضعیف آنها شده است.

۲-۳- مهاجرت

از آنجا که بیشتر فرصت‌های شغلی و امکانات رفاهی، تحصیلی، درمانی و مانند آن در شهرهای بزرگ متمرکز شده‌اند، افراد با مهاجرت – دائمی یا موقت– به شهرهای بزرگتر، نوآوری‌های زبانی را جذب می‌کنند و به جوامع کوچکتر انتقال می‌دهند (Taeldeman, 2005: 263). بنابراین

مهاجرت (شامل تمام انواع آن) یکی از عوامل به خطر افتادن زبان‌های بومی محسوب می‌شود.

۳- مقیاس ماندگاری زبان (یونسکو، ۲۰۰۳)

در مقیاس ارزیابی یونسکو برای تعیین درجهٔ ماندگاری زبان ۶ معیار مورد بررسی قرار می‌گیرد:

معیار اول- انتقال زبان از والدین به فرزندان: در اینجا پرسش اساسی این است که آیا زبان به نسل‌های جوان‌تر انتقال داده می‌شود؟ پاسخ به این پرسش، جایگاه زبان را بر روی پیوستار ۶ درجه‌ایِ «امن- منقرض‌شده» تعیین می‌کند.

جدول ۱: درجات درخطر بودن زبان‌ها بر اساس معیار انتقال زبان

ماندگاری زبان	درجه	توصیف
امن	٥	همهٔ سخنگویان در تمامی سنین به زبان تکلم می‌کنند، کودکان به راحتی زبان را فرامی‌گیرند و به کار می‌برند.
آسیب‌پذیر	٤	بیشتر کودکان از زبان استفاده می‌کنند، اما ممکن است محیط‌های استفاده از زبان محدود باشد؛ برای مثال، فقط در خانه به زبان مورد نظر صحبت کنند.
در معرض خطر	۳	کودکان، زبان را به عنوان زبان مادری در خانه نمی‌آموزند.
شدیداًدر معرض خطر	۲	فقط نسل کهنسال به زبان صحبت می‌کنند، ممکن است پدرها و مادرها زبان را متوجه شوند اما با فرزندان به آن زبان صحبت نمی‌کنند.
در آستانهٔ انقراض	۱	تنها، نسل کهنسال در مواقع و موارد خاص به آن زبان صحبت می‌کنند.
منقرض‌شده	۰	زبان هیچ سخنگویی ندارد.

معیار دوم- تعداد سخنگویان: هرچه جامعهٔ زبانی کوچکتر باشد، میزان درخطر بودن زبان بیشتر است.

معیار سوم- نسبت تعداد سخنگویان به کل جمعیت: درجهٔ ماندگاری زبان را می‌توان از روی نسبت سخنگویان آن زبان به کل جمعیت گروه (در سطح بومی، مذهبی، منطقه‌ای یا ملّی) سنجید.

جدول ۲: درجات در خطربودن زبان‌ها بر اساس نسبت سخنگویان به کل جمعیت

ماندگاری زبان	درجه	نسبت سخنگویان زبان به کل جمعیت
امن	۵	همه به آن زبان صحبت می‌کنند.
آسیب‌پذیر	٤	تقریباً همه به آن زبان صحبت می‌کنند.
در معرض خطر	۳	اکثریت به آن زبان صحبت می‌کنند.
شدیداً در معرض خطر	۲	اقلیت به آن زبان صحبت می‌کنند.
در آستانهٔ انقراض	۱	عدهٔ بسیار کمی به آن زبان صحبت می‌کنند.
منقرض‌شده	۰	هیچ کس به آن زبان صحبت نمی‌کند.

معیار چهارم- حوزه‌های کاربری زبان: انتقال زبان به نسل‌های جوان‌تر بستگی به این دارد که آیا از زبان به‌طور پویا در ارتباطات کلامی استفاده می‌شود یا آنکه به‌کاربردن زبان محدود به موقعیت‌های خاص و برخی اهداف مشخص است. آنچه در اینجا اهمیت دارد این است که بدانیم آیا زبان در زندگی جامعهٔ زبانی «کاربریِ معنی‌دار» دارد یا خیر؟

جدول ۳: درجات درخطر بودن زبان‌ها بر اساس دامنهٔ کاربری زبان

ماندگاری زبان	درجه	توصیف
امن	۵	زبان در تمام حوزه‌ها و در همهٔ نقش‌ها به‌کار می‌رود.
آسیب‌پذیر	٤	دو یا چند زبان ممکن است در بسیاری حوزه‌های اجتماعی و در بیشتر نقش‌ها به‌کار روند.
در معرض خطر	۳	زبان در خانه کارکردهای بسیاری دارد اما زبان فرادست، در حال نفوذ به حوزه‌های درون خانه است.
شدیداً در معرض خطر	۲	زبان در حوزه‌های محدود اجتماعی و در نقش‌های متعددی به‌کار می‌رود.
در آستانهٔ انقراض	۱	زبان تنها در حوزه‌های بسیار محدود و در نقش‌های انگشت‌شمار به‌کار می‌رود.
منقرض‌شده	۰	زبان در هیچ حوزه‌ای و در هیچ نقشی به‌کار نمی‌رود.

معیار پنجم- قدرت کافی برای برآوردن نیازهای جدید ارتباطی در حوزه‌های نو و رسانه‌ها: همگام با تغییر زندگی جامعهٔ زبانی، زبان باید بتواند در عرصهٔ نیازها و حوزه‌های نوظهور مانند رسانه‌های محلی، شبکه‌های مجازی، محیط‌های کار محلی، تحصیلی و مانند آن با زبان‌های فرادست رقابت کند.

معیار ششم- کاربرد زبان در آموزش: کاربرد زبان در اهداف آموزشی برای حیات آن زبان اساسی است. در اینجا زبان بومی از نظر وجود یا نبودِ خط و دستور نهادینه شده، فرهنگ واژگان و سایر ابزاری که برای سوادآموزی ضروری است ارزیابی می‌شود. روشن است که اگر زبانی، آثار مکتوب نداشته باشد، ماندگار نخواهد بود. توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی و احساس مباهات در تکلم به یک زبان از عوامل مؤثر در آموختن آن زبان هستند.

۴- زبان تالشی

ایران با مساحت ۱،۶۴۸،۱۹۲ کیلومتر مربع و جمعیت ۸۱،۶۷۲،۳۰۰ نفر (بر اساس آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵) هفدهمین کشور بزرگ دنیا است. گفته می‌شود ایرانیان به ۶۵ خوشهٔ زبان بومی و ۱۴ زبان غیربومی صحبت می‌کنند و یکی از این «خوشه‌های زبانی»[۱]، تالشی در استان گیلان است.

قلمروِ اصلی زبان تالشی در گیلان، شهرستان‌های آستارا، طوالش، ماسال، رضوانشهر و بخش‌هایی از شفت و فومن است. زبان تالشی سه گونهٔ اصلیِ «شمالی»، «مرکزی» و «جنوبی» دارد (نک: شکل ۱).

همان‌طور که در شکل شمارهٔ ۱ مشاهده می‌شود، تالشی شمالی، گستره‌ای از لنکران در جمهوری آذربایجان تا کرگانرودِ طوالش و نیز بخش‌هایی در اطراف آستارا، لوندویل، ویزنه، اردبیل و ویلکیج در ایران را دربر می‌گیرد. تالشی مرکزی در طول رودخانه‌های ناورود در شمال و شفارود در جنوب (شامل حوالی اسالم، از جوکندان و هشتپر طوالش تا پره‌سر و

---

۱ عبارت «خوشه‌های زبانی» را از آن‌رو در این متن به کار بردیم که اتنولوگ، ۶۵ زبان بومی را شناسایی کرده که درحال حاضر در ایران رایج هستند و از این تعداد، ۴۱ زبان به‌درجات مختلف، در معرض خطرند. اما در اطلس زبان‌های در خطرِ یونسکو، این رقم، ۲۵ است. این تفاوت تعداد زبان‌ها به شمارش آنها برمی‌گردد. فهرست اتنولوگ، همهٔ گویش‌های یک زبان را نیز در بر دارد اما اطلس زبان‌های یونسکو، گویش‌های یک زبان را به صورت جداگانه فهرست نکرده است.



شکل ۱: سه گونهٔ اصلی زبان تالشی (حسین‌زاده ملک جهان و بهادران، ۱۳۹۴)

رضوانشهر و کوهپایه‌ها) و تالشی جنوبی در نواحی میان رودخانه‌های شفارود در شمال و سفیدرود در جنوب (شامل خوشابر در ماسال و شاندرمن، ماسوله، فومن،شفت و اطراف آنها) رواج دارند (رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۱۹-۱۸). براساس وبگاه اتنولوگ، با توجه به تعداد سخنگویان تالشی، این زبان از منظر ماندگاری، وضعیت قابل قبولی[1] دارد و اطلس زبان‌های درخطرِ یونسکو آن را در دستهٔ زبان‌های آسیب‌پذیر قرار داده است. در شکل ۲ زبان‌های در خطر ایران، همراه با درجه درخطر بودن این زبان‌ها نشان داده شده است:



شکل ۲: وضعیت درخطر بودن برخی از زبان‌های ایران (وبگاه ایران من[2])

1 in vigorous use

2 Iraneman.org

۴-۱- تماس زبان تالشی با دیگر زبان‌ها

شهرستان طوالش در مجاورت شهرستان‌های گیلک‌زبان و ترک‌زبان قرار دارد. به همین سبب، افزون بر زبان فارسی که در مقام زبان رسمی کشور زبان‌های دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زبان‌های ترکی و گیلکی نیز از سویی، بر تالشی تأثیر گذاشته و از سوی دیگر از آن تأثیر پذیرفته‌اند. اما بنابر دلایل گوناگون که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد، ترکی، بیش از گیلکی بر تالشی تأثیر نهاده است.

از منظر تماس زبانی، می‌توان تالشی را در مناطق مختلف شهرستان‌های ماسال، طوالش، آستارا و رضوانشهر به صورت زیر تقسیم‌بندی کرد (رهنمایی، ۱۳۸۰):

- **حوزهٔ شمالی:** عمدتاً کرگانرود ، لیسار و حویق که به شدّت تحت تأثیر زبان ترکی قرار گرفته است.

- **حوزهٔ مرکزی:** اسالم، پره‌سر و شاندرمن که تأثیر کمتری از ترکی و گیلکی پذیرفته است.

- **حوزهٔ جنوبی:** رضوانشهر وماسال که تاحدود زیادی تحت تأثیر زبان گیلکی قرارگرفته است.

به این ترتیب، می‌توان گفت زبان تالشی در بخش‌های جنوبی، به‌ویژه در فومنات با زبان گیلکی همزیستی دارد. اما نفوذ ترکی، به‌ویژه در نواحیِ شهریِ آستارا و هشتپر در مسیر جادهٔ انزلی-آستارا تا جایی پیش رفته که تقریباً جایگزین تالشی شده است، ولی در قسمت‌های مرکزیِ منطقهٔ تالش‌زبان؛ یعنی جنوب اسالم، زبان تالشی در دست‌نخورده‌ترین شکل قابل مشاهده است (Asatrian/Borjian, 2005: 52).



شکل ۳: قلمروِ زبان تالشی در کشور ایران، به تفکیک شهرستان‌ها (حسین‌زاده ملک جهان و همادران، ۱۳۹۴)

۴-۲- عوامل مؤثر در تأثیرپذیری تالشی از ترکی و گیلکی

با درنظر گرفتن موقعیت جغرافیایی مناطق تالش‌زبان و همسایگیِ مردمان تالش با بخش‌های ترک و گیلک‌نشین، می‌توان تأثیر تاریخیِ این دو زبان بر زبان تالشی را به دو دستهٔ عوامل سیاسی و اقتصادی-اجتماعی نسبت داد:

عوامل سیاسی: در دورهٔ قاجار پس از عهدنامهٔ گلستان و ترکمانچای، حکومت مرکزی، ادارهٔ مناطق تالش‌نشینِ کرگانرود (از آستارا تا اسالم) را به خوانین ترک‌زبان سپرد، به همین سبب مردم به‌تدریج مجبور به فراگرفتن زبان ترکی شدند تا هم خود را به خوانین و حکومت نزدیک‌تر کنند و هم بتوانند برای انجام امور دولتی، با مقامات ترک‌زبان ارتباط برقرار نمایند. از سوی دیگر، به دلیل استقرار حکومت محلی ترک‌زبان، دانستن زبان ترکی شأن اجتماعی نیز با خود به همراه آورده بود. درست به همین سبب است که هرچه از مقرّ اصلی حکومت خوانین ترک دورتر می‌شویم، تأثیر زبان ترکی بر تالشی نیز کم‌رنگ‌تر می‌شود. به عبارت دیگر، هر چه از کرگانرود، لیسار و خطبه‌سرا به سمت اسالم و تالش‌دولاب برویم، از تراکم جمعیت ترک‌زبان به‌طور چشمگیری کاسته می‌شود و نواحی ماسال و شاندرمن نیز که از مقرّ حکومت خوانین ترک فاصلهٔ بسیار داشته‌اند، استقلال زبانی خود را تا حدود زیادی حفظ کرده‌اند؛ البته این مناطق زبانی نیز به دلیل مراودات دولتی با مرکز حکومت گیلان در رشت، از گیلکی تأثیر پذیرفته‌اند (همانجا).

عوامل اقتصادی-اجتماعی: مردمان تالش در تأمین نیازهای اولیهٔ زندگی تقریباً خودکفا هستند، اما مراودات اقتصادی و داد و ستد با بازرگانانی که از باکو، اردبیل و خلخال به طوالش می‌آیند، زمینه را برای تماس زبانی و تأثیرپذیری دوسویهٔ ترکی- تالشی فراهم کرده است. علاوه بر این، تالش‌ها برای دامداری و کار در زمین‌های کشاورزی به کارگر نیاز داشته‌اند که این افرادعموماً از اردبیل و خلخال به طوالش می‌آیند (همانجا)، از طرفی، گاه زنان گیلک نیز برای کار در شالیزارها، به نواحی تالش‌نشین آمدوشد دارند؛ مجموعهٔ این عوامل سبب تأثیر زبان‌های ترکی و گیلکی بر تالشی شده است.

۵- معیارهای یونسکو و وضعیت کنونی زبان تالشی

تا اینجای بحث، شش معیار پیش‌نهادی یونسکو و نیز عوامل مؤثر در تماس زبان تالشی با

زبان‌های همسایه بررسی شد. در ادامه، وضعیت کنونی زبان تالشی از دیدگاه معیارهای یونسکو[1] بررسی می‌شود.

۵-۱- فراگیری توسط کودکان

در ۴۰ سال گذشته، به سبب فراگیر شدن آموزش اجباری و رایگان در مدارس، خدمات آموزشی در بیشتر روستاهای مناطق تالش‌زبان گسترش یافته است. مادران جوان نیز به دلیل نیازی که فرزندانشان به فراگیری و تلسط بر زبان رسمی کشور دارند، از همان ابتدا با کودکان تنها به فارسی سخن می‌گویند، زبان ترکی هم به سبب رواج در بخش‌هایی که پیش‌تر به آنها اشاره شد، در خانواده و توسط مادران آموزش داده می‌شود. درنتیجه، تالشی به‌عنوان زبان بومی، در میان نسل جوان بسیار کمرنگ شده است و این روند همچنان ادامه دارد.

۵-۲- اندازهٔ جامعهٔ زبانی

دانستن تعداد دقیق سخنگویان تالشی کار آسانی نیست. در منابع مختلف، آمار و ارقام متفاوت و گاه متضادی ارائه شده است. برخی پژوهشگران (Asatrian/Borjian, 2005: 45) جمعیت تالش در دو سوی مرز ایران و آذربایجان را دومیلیون نفر (یک میلیون در هر سو) ذکر کرده‌اند. اطلس زبان‌های درخطر یونسکو نیز، جمعیت تالش ایران را یک میلیون نفر دانسته است. پُل (Paul, 2011: 16) آن را حدود ۱۱۲ هزار نفر و وبگاه اتنولوگ نیز عدد ۱۴۶ هزار نفر را ذکر کرده‌اند. بدیهی است تخمین دقیق بزرگی جمعیت تالش‌زبان دشوار است. اما به نظر می‌رسد این رقم از میزانی که در جدول ۴ ارائه شده است، چندان بیشتر نباشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، نسبت سخنگویان زبان تالشی به جمعیت کل استان گیلان چهارصدم (۰/۰۴) است. بنابراین به نظر می‌رسد ازنظر میزان جمعیت، زبان تالشی در وضعیت خوبی قرار دارد.

---

۱ به سبب آنکه تا به امروز، در راستای کمّی‌سازی معیارهای کیفیِ یونسکو تلاشی صورت نگرفته است، آنچه در ادامه می‌آید، برگرفته از مصاحبه‌هایی است که با ساکنان بومی منطقه انجام شده است. علاوه بر این، در پژوهش حاضر از اطلاعات مستخرج از پایان‌نامه‌های سال‌های اخیر – که منحصراً بر زبان تالشی و جنبه‌های جامعه‌شناختی آن متمرکز بوده‌اند– نیز بهره برده‌ایم.

جدول ۴: جمعیت تالش‌زبان در مقایسه با جمعیت استان و نسبت جامعهٔ زبانی به کل جمعیت استان (درگاه ملی آمار[1])

زبان بومی	استان(های) خاستگاه زبان	جمعیت کل استان(ها)	اندازهٔ جامعهٔ زبانی (نفر)	نسبت جامعهٔ زبانی به کل جمعیت استان(ها)
تالشی	گیلان	۲،۴۸۰،۸۷۴	۱۱۲،۰۰۰	۰/۰۴

حوزه‌های کاربرد زبان تالشی

زبان تالشی از گذشته تاکنون، سهم قابل توجهی در ترانه‌ها و آوازهای محلی داشته است و امروز صاحب ادبیات طنز نیز شده است. ولی با وجود آنکه نسل سالخوردهٔ تالش از زبان بومی خود برای برقراری ارتباط استفاده می‌کند، کودکان و نسل‌های جوان‌تر، تمایل چندانی به استفاده از تالشی ندارند. بسیاری از کودکان، زبان فارسی – و یا ترکی – را از مادرانشان فرامی‌گیرند و دیگر نمی‌توان آنها را سخنگوی بومی دانست؛ زیرا زبان مادری آنها فارسی (و یا ترکی) است. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، نسل جوان تالش را می‌توان دوزبانه‌هایی دانست که تنها مهارت فهم زبان تالشی را کسب می‌کنند و قادر به تکلّم به این زبان نیستند. گذشته از آن، هرچند ممکن است زبان بومی نیازهای ارتباطی افراد در جوامع محلی را برآورده کند، اما تحصیل و انجام امور اداری و دولتی ایجاب می‌کند که افراد به زبان رسمی کشور نیز مسلط باشند؛ به همین سبب، عملاً حوزهٔ استفاده از زبان تالشی – و بسیاری از زبان‌های بومی– در دنیای امروز بسیار محدود شده است.

۶- نتیجه‌گیری

با درنظر داشتن معیارهای شش‌گانهٔ یونسکو (۲۰۰۳) و با توجه به آنچه دربارهٔ جامعهٔ تالش‌زبان گفته شد، می‌توان وضعیت حال حاضر زبان تالشی را به‌صورت جدول ۵ خلاصه کرد. باید توجه داشت که به دلیل کیفی بودن معیارهای پیش‌نهادی یونسکو، ارزیابی کمّیِ درجهٔ درخطر بودن این زبان، ممکن نبوده است.

1 www.amar.org.ir

جدول ۵: وضعیت کنونی زبان تالشی در ایران

معیار یونسکو	وضعیت زبان تالشی	معیار یونسکو	وضعیت زبان تالشی
یادگیری زبان توسط کودکان	x	میزان کاربرد زبان مورد نظر	کم
تعداد زبانوران یک زبان	کم	قدرت زبان در ورود به رسانه	قابل قبول
نسبت جمعیت زبانوران یک زبان به کل جمعیت منطقه	قابل قبول	استفاده از زبان مورد نظر در آموزش	x

مهم‌ترین عاملی که بقای یک زبان را تضمین می‌کند، فراگیری آن توسط کودکان به‌عنوان زبان مادری است. کودکان تالش، این زبان را به‌عنوان زبان مادری فرامی‌گیرند و قادر به سخن گفتن به این زبان نیستند، البته مهارت فهم آن را دارند. باتوجه به اینکه جمعیت تالش‌زبان تنها ۰/۰۴ کل جمعیت استان را تشکیل می‌دهد و تالشی در تماس با زبان‌های فارسی، ترکی و گیلکی قرار دارد، خطر تغییر زبان در مورد نسل جوان (صفر تا ۲۵ سال) خطری جدّی است. خوشبختانه نگرش جامعهٔ زبانی به زبان تالشی مثبت است، هرچند جوان‌ها از اینکه فارسی را با لهجهٔ تالشی صحبت کنند، احساس خوبی ندارند. زبان تالشی زبانی نسبتاً پویا در جامعهٔ بومی است، به‌طوری‌که محتوای ادبی، شعر، طنز و نشر اخبار به زبان تالشی رونق چشمگیری دارد. با همهٔ اینها، تدوین یک برنامهٔ منسجم زبانی برای بهبود وضعیت موجود زبان تالشی امری بایسته و لازم است.

کتابنامه

حسین‌زاده ملک‌جهان، شهاب و نادیا بهادران (۱۳۹۴)، «تحلیل و بررسی زبان تالشی به‌عنوان یکی از زبان‌های درمعرض خطر دنیا و جایگاه آن در بین زبان‌های زندهٔ جهان»، *همایش ملی تالش‌شناسی*، گیلان: اداره کل میراث فرهنگی،صنایع دستی و گردشگری استان گیلان.

رضایتی کیشه‌خاله، محرم (۱۳۸۶)، *زبان تالشی (توصیف گویش مرکزی)*، رشت: فرهنگ ایلیا.

رهنمایی، محمّدتقی (۱۳۸۰)، «علل نفوذ زبان‌های ترکی و گیلکی در تالش». *فصلنامهٔ تحقیقات تالش*، شمارهٔ۲، زمستان: ۲۷–۱۵.

Asatrian, G. / Borjian, H. (2005), "Talish and the Talishis (State of

Research)", *Iran and the Caucasus*, 9 (1): 43–72.
Auer, P. / F. Hinskens (2005), "The Role of Interpersonal Accommodation in a Theory of Language Change", In Hinskens, F. / Auer, P. / Kerswill, P. (eds.), *Dialect Change: Convergence and Divergence in European Languages*: 335-364, Cambridge.
Austin, P. K. / Sallabank, J. (eds.) (2011), *The Cambridge Handbook of Endangered Languages*, Cambridge.
Berruto, G. (2005), "Dialect/Standard Convergence, Mixing, and Models of Language Contact: The Case of Italy, Dialect Change, Convergence and Divergence", In Hinskens, F. / Auer, P. / Kerswill, P. (eds.), Dialect change: *Convergence and Divergence in European Languages*: 81-97, Cambridge.
Britain, D. (2010), "Contact and Dialectology", In Hickey, R. (ed.), *The Handbook of Language Contact*: 208-229, John Wiley/Sons.
Hinskens, F. /Auer, P. / Kerswill, P. (2005), "The Study of Dialect Convergence and Divergence: Conceptual and Methodological Considerations", In Hinskens, F. / Auer, P. / Kerswill, P. (eds.), *Dialect Change: Convergence and Divergence in European Languages*: 1-48, Cambridge.
Mackey, W. F. (2001), "The Ecology of Language Shift", In Fill, A. / Mühlhäusler, P. (Eds), *The Ecolinguistics Reader: Language, Ecology, and Environment*: 67-74, Continuum.
Moseley, C (ed.) (2010), *Atlas of the World's Languages in Danger* (3rd edition), Paris, Online version:
http://www.unesco.org/culture/en/endangeredlanguages/atlas
Paul, D. (2011), *A comparative Dialectal Description of Iranian Taleshi*, Doctoral dissertation, university of Manchester.
Taeldeman, J. (2005), "The Influence of Urban Centers on the Spatial Diffusion of Dialect Phenomena", In Hinskens, F. / Auer, P /Kerswill, P. (Eds.), Dialect Change: *Convergence and Divergence in European Languages*: 263-284, Cambridge.
Thomas, S. (2010), "Contact Explanations in linguistics", In Hickey, R. (Ed.), *The Handbook of Language Contact*: 31-47, John Wiley/Sons.

A Study of Iran's Languages Based on UNESCO's Degree of Language Endangerment Criteria

(Case Study: *Taleshi* Language)

Hamideh Poshtvan–Mahnaz Talebi Dastenaee
Alzahra University, Tehran

Abstract

The vitality of languages depends on their speakers. The emergence and growth of cultures and their cross-generational transmission are only possible through language. It is true indeed that a community's cultural, historical, and literal heritage diminishes with the death of its language. Based on Ethnologue's estimate 652 languages are today living in Southern Asia, including Iran. Of this number, 25 indigenous language clusters are spoken in Iran. Seven of these 25 languages and their subcategories are dying and about one third are endangered. *Taleshi* is one of these languages. The *Taleshi*-speaking community comprises about one percent of the Iranian population living in northwest and west of Gilan. Due to neighboring *Gilaki* and *Turkish*, along with the influence of Persian, *Taleshi* has undergone profound changes so that it is now classified as an endangered language. The aim of this paper is to introduce the UNESCO's six level categorization criteria of language endangerment. It also provides a brief report on the current status of *Taleshi* in Iran and the contributing factors to its decline.

Keywords: *UNESCO's Criteria, Endangered Languages, Taleshi, Iran.*